

فراخوان سازمان عفو بین المللی:

از اعدام توده ای ها و فدایی ها جلوگیری کنید!



دوره هشتم - سال دوم - شماره ۶۶
پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

"عفو بین المللی" نگرانی خود را از اعدام های بیشمار در ایران ابراز و اعلام می دارد که در ایران "از محاکمه منصفانه و همخوان با موازین بین المللی خبری نیست و در بسیاری از زندانها و بازداشتگاهها زندانیان را همواره شکنجه می کنند".

سازمان "عفو بین المللی" در اعلامیه ای بتاريخ اوت ۱۹۸۵ اطلاع میدهد، که برپایه گزارش هایی، که دریافت داشته "محمود سیدروغنی و کیومرث زرشناس، اعضای حزب توده ایران و انوشیروان لطفی و رضی الدین تابان، اعضای سازمان فدائیان خلق (اکثریت) به مرگ محکوم شده و مقامات قضایی قم حکم اعدام آنها را تایید کرده اند".

اعلامیه سازمان "عفو بین المللی" یادآور می شود، که دولت ایران برغم امضای "مقاوله نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی"، با نقض موازین حقوق بشر زندانیان را شکنجه می کند و "همه گونه آزادی سیاسی، مذهبی، اندیشه، گفتار و اجتماعات را از میان برداشته است". "عفو بین المللی" از مردم جهان می خواهد تا با بقیه در ص ۲

برپایه این اعلامیه، به "سازمان عفو بین المللی" گزارش رسیده است، که ۱۲ تن دیگر از اعضای حزب توده ایران و دو عضو سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز به مرگ محکوم شده اند و انتظار می رود، که این احکام هم در آینده تایید گردند".

شادباش حزب کمونیست هند (مارکسیست) به حزب توده ایران

مبارزه دلیرانه شما را ستایش می کنیم

شما شکنجه و اعدام شده اند و تعداد بیشتری نیز محکوم به اعدام گردیده اند، و گروه بیشتری در سپاه چالهای رژیم بصری می برند. و در چنین شرایطی است که حزب شما نیروهای خود را تجهیز و همچنان به مبارزه پیکر ادامه می دهد. ما مطمئن هستیم که شما امروز نیز مانند گذشته دلیرانه بر مشکلات فائق خواهید آمد. درودهای رفیقانه ما را به رفقا در ایران برسانید.

رفقای عزیز! حزب کمونیست هند (مارکسیست)، به مناسبت ۶۵ - امین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران، گرم ترین تبریکات خود را به کمیته مرکزی و اعضای حزب توده ایران تقدیم می دارد. مبارزات قهرمانانه رفقای شما که در بدترین شرایط علیه امپریالیسم و متحدین داخلی صورت گرفته، همیشه مورد ستایش کمونیست های هند بوده است.

بادرود

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) دبیرکل، ای. ام. اس. نمبودیرپید

امروز نیز با مشکلات بیشتری که توسط بنهادگرایان جمهوری اسلامی بوجود آمده مواجه هستید. و تعداد زیادی از رهبران و اعضای حزب

شادباش حزب کمونیست دانمارک به حزب توده ایران

همواره پشتیبان شما خواهیم بود

رفقای عزیز، آنها، که به ترک میهن مجبور شده اند و چه بسا سبب شمت و پنجین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران به شامه توده ایها - چه می رزمند و یا اسیر سپاه چالهای دیکتاتوری بقیه در ص ۲

رفقای عزیز، پنج سال پیش سازمان اوپک به عنوان یک سازمان مقتدر بین المللی در مقیاس وسیعی بر تولید و فروش نفت در بازار جهانی نظارت داشت. اما در سالهای اخیر این سازمان در نتیجه تشدید بحران اقتصادی در دنیای سرمایه داری، تصمیم انحصارات در صرفه جویی انرژی و بهره برداری از منابع جانشین و دامنه گرفتن اختلاف در میان اعضای اوپک در زمینه تولید و ارزان فروشی نفت، اقتدار سابق را بتدریج از دست داد و اکنون اوپک یکی از حساسترین دوران موجودیت خود را از سر می گذراند.

سیاست نفتی ج.ا.، خدمتی و در خدمت انحصارات امپریالیستی است

نشریه آمریکایی کریستین ساینس مونیتور در این باره می نویسد: "اینک از قدرت اوپک کاسته شده و دیگر آن کارتل نفتی بی همتا و فرمانروا در دنیای انرژی نیست. گردهمایی وزیران اوپک در وین شاهد دست و پا زدن این سازمان برای حفظ بهای رسمی نفت از قرار هر بشکه ۲۸ دلار بوده است و این تحول در حالی صورت می گیرد که اوپک سهم بیشتری از بازار نفتی جهان را به صادرکنندگان غیر اوپک می بازد. اگر در اوپک اقدام مهمی صورت نگیرد، بهای نفت جهان در سال جاری همچنان روبه تنزل بقیه در ص ۶

در خارج از زندان نیز ترور و اختناق با حدت و شدت روزافزونی حکمفرماست. ترس رژیم از پی آمدهای اقدامات ضدمللی خود و تلاش برای ادامه سیاست ارتجاعی داخلی و خارجی، خصلت ضدمکراتیک آن را تشدید کرده است. خشونت فزاینده رژیم حتی در مطبوعات کشورهای که رژیم ج.ا. درآمد نفت را به کاو صندوق های انحصارهای آنها منتقل می کند، بقیه در ص ۲

برنامه و تاکتیک واحد، یگانه شرط پیروزی نیروهای مترقی است

اخبار رسیده از درون زندان های رژیم نگرانی آور است. محاکمات پشت درهای بسته ادامه دارد. دهها نفر از زندانها سیاسی از جمله اعضا حزب توده ایران که به اعدام محکوم شده اند، در انتظار مرگ هستند. چند روز پیش رادیوهای خارجی خبر اعدام عده ای را در اوپن منتشر ساختند. این قربانیان نوبتی رژیم چه کسانی هستند و گناه آنها چیست؟ سردمداران رژیم و رسانه های گروهی تحت سانسور، مهر سکوت بر لب زده اند.

رژیم با قساوت هر نوع آزادی فردی و شهروندی را لگدمال کرده است. ارگانهای سرکوبگر دگراندیشان را بدون حکم بازداشت در کوچه و خیابان دستگیر و روانه سپاهچالها می کنند. هزاران نفر زندانی سالهاست حتی بدون بازجویی مقدماتی در سلولهای اوپن و ... زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند. احزاب و سازمان های سیاسی، اتحادیه های کارگری و دانشجویی و کارمندی و غیره غیرقانونی اعلام شده اند. زبانها را بسته و قلم ها را شکسته اند. دادگاههای شرع بدون رعایت ابتدایی ترین موازین قضایی طی چند دقیقه نشست و برخاست احکام اعدام و زندانهای درازمدت صادر می کنند. هیچ متهمی حق تعیین وکیل مدافع و حتی دفاع از خود را ندارد.

در خارج از زندان نیز ترور و اختناق با حدت و شدت روزافزونی حکمفرماست. ترس رژیم از پی آمدهای اقدامات ضدمللی خود و تلاش برای ادامه سیاست ارتجاعی داخلی و خارجی، خصلت ضدمکراتیک آن را تشدید کرده است.

خشونت فزاینده رژیم حتی در مطبوعات کشورهای که رژیم ج.ا. درآمد نفت را به کاو صندوق های انحصارهای آنها منتقل می کند، بقیه در ص ۲

درباره لایحه ارتجاعی قانون کار

در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

برنامه و تاکتیک واحد ۰۰۰

بقیه از ص ۱

بازتاب وسیعی دارد. آنها نیز معترفند که زندان های ایران از انبوه زندانیان سیاسی پر شده است. اعتراض مردم علیه جنگ خانمان برانداز که تا کنون صدها هزار زن و کودک و پیر و جوان را به کام خود کشیده و دهها شهر و روستای ایران بجای گذارده، با گلوله و زندان روبرو می شود. ماموران ساواجا مانند گذشته به شکار انسان ها در کوچه و خیابان مشغول هستند. صفحات اعلان روزنامه های مجاز پر از آگهی مربوط به جوانان گمشده ای است که بخش مهمی از آنها شاید هیچگاه به آغوش خانواده باز نخواهند گشت.

شکنجه زندانیان سیاسی با تکامل یافته ترین ابزار و آلات، امری است متداول. همه باید "اعتراف" کنند. جلادان رژیم برای رسیدن به این هدف حتی خانواده های زندانیان را نیز روانه شکنجه گاهها می کنند. بستگان نزدیک متهم را پیش چشم آزار می دهند تا او را به تسلیم وادارند. رژیم خمینی با سرعت در بیرامه اقدامات ضد ملی خود پیش می رود و با مرتجع ترین جناح های امپریالیسم و عمال آن در پیش برد مقاصد ضد انسانی همدستان می کند. سیاست خارجی و داخلی رژیم ج.ا. در سالهای اخیر از اینجا نشأت می گیرد. وابستگی رژیم به انحصارهای ژاپنی، آلمان غربی، ایتالیایی و... در جهات مختلف امری است عیان. اقتصاد کشور دچار بحران عمیقی است. کارخانه ها با نصف ظرفیت کار می کنند. به علت کمبود ارز نه برای خرید مواد اولیه و نیمه ساخته جهت راه اندازی موسسات مونتاژ و غیره، هزاران کارگر از کارخانه ها رانده شده اند. بیکاری و فقر در حال گسترش است. سالیانه میلیاردها دلار صرف خرید تجهیزات نظامی از قاچاقچیان بین المللی می شود. بازار ایران به مرکز فروش کالاها و بنجل خارجی تبدیل شده است. تحریر و توطئه علیه کشورهای همسایه و دخالت آشکار در امور داخلی کشور همسایه با افغانستان، تشدید تبلیغات ضد کمونیستی و تکرار ترهات سازمانهای جاسوسی امپریالیستی علیه اتحاد شوروی، رخنه دادن روزافزون ایدئولوژی امپریالیستی از طریق ترجمه و انتشار وسیع نوشته های ارتجاعی ترین مولفین آمریکایی و انگلیسی و فرانسوی، همه و همه نمودارهایی از سیاست ضد خلقی رژیم ج.ا. است.

تضاد میان استثمارگران و استثمارشوندگان شدت می یابد. در عین آنکه اقلیت ممتاز بسرکردگی روحانیون حاکم از تمام مواهب یک زندگی پرتجمل بهره مند است، اکثر مردم زیر فشار گرانی، کمبود مواد غذایی، تورم و بی خانمانی پشت خم کرده اند. فرمانروایی رژیم خودکامه قرون وسطایی روز بروز عدم رضایت توده های مردم را تشدید می کند و آنها را به عرصه مقاومت و مبارزه می کشاند و بدینسان پایگاه

همواره پشتیبان شما خواهیم بود

بقیه از ص ۱

مذهبی - قرون وسطایی هستند، برادرانه درود می فرستیم.

ما مبارزه طولانی و دشوار کمونیستهای ایران را علیه شاه و پشتیبانان امپریالیستی آن و در راه پیشبرد حقوق ملی و دمکراتیک خوب پیاد داریم. در عرصه بین المللی، ما برای پیکار شما در راه صلح و علیه استثمار و امپریالیسم همواره ارزش فراوان قایل بوده ایم.

ما سهم شما را در انقلاب بزرگ فوریه و کوشش برای ادامه آن تا دگرگون سازیهای سوسیالیستی با شور فراوان دنبال کردیم. در سال ۱۹۸۲، هنگامی که فرمانروایان مذهبی بخاطر تأمین منافع تعصب آمیز خویش به انقلاب پشت کردند و به حزب توده ایران تاختند، ما دوش بدوش رفقای ایرانی به تظاهرات در برابر سفارت ایران دست زدیم و اعتراض خویش را به گوش رهبران ایران رساندیم. ما همچنین از دولت دانمارک و "شورای پناهندگی دانمارک" خواستیم تا با اعمال فشار به مقامات اسلامی آنها را از شکنجه و اعدام زندانیان بازدارد.

چندی پیش کتابی بنام "ایران و مبارزه با امپریالیسم" منتشر کردیم، که رفیق ما سورن تاینس در آن به توصیف انقلاب ایران و انحطاط آن می پردازد. امید ما این است، که مردم دانمارک با خواندن این کتاب اوضاع ایران و ضرورت همبستگی با نیروهای دمکراتیک، بویژه با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت)، را بهتر درک کنند.

رفقای عزیز، بدانید که همواره پشتیبان شما در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و در راه دمکراسی، صلح و سوسیالیسم خواهیم بود.

با درودهای برادرانه،
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک

اجتماعی رژیم را تنگ تر می کند.

رژیم ج.ا. که از خشم و نفرت مردم و گسترش دامنه مبارزات آنان وحشت دارد، زنجیرهای ترور و اختناق را بردست و پای توده ها محکمتر می کند. با این وجود موج اعتراض آبی خاموش نمی شود. رژیم خمینی ماهیت ضد خلقی خود را هرچه بیشتر آشکار می سازد. این امر ضرورت بیش از پیش مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک را ایجاب می کند. وظیفه مبرم در حال حاضر سرنگون کردن رژیم ج.ا. است.

همه سازمان های ملی و مترقی، همه عناصر میهن دوست و وظیفه دارند که با صداقت انقلابی و حقیقت جویی یک مبارز راستین، کارنامه مبارزات دوران بعد از انقلاب را واریسی کرده و این واقعیت را درک کنند که تفرقه نیروها و پراکندگی مبارزات و عدم وجود برنامه و تاکتیک واحد از عوامل مهم ضربه ای است که رژیم ضد ملی بر نیروهای مترقی و انقلابی وارد آورد. نباید اشتباه گذشته را تکرار کرد. آزموده را دوباره آزمودن خطا است.

اطلاعیه هایی درباره فقدان امکانات!

اطلاعیه دانشگاه شهید بهشتی در مورد خوابگاه دانشجویان

نظر به اینکه علیرغم تلاشهای مکرر و پیگیری های به عمل آمده تا کنون موفقیتی در امر تأمین خوابگاه دانشجویی حاصل نگردیده است، لذا از کلیه داوطلبین شهرستانی علاقمند به تحصیل در این دانشگاه تقاضا دارد هنگام انتخاب رشته به عدم امکانات خوابگاهی توجه کامل مبذول نمایند و چنانچه شخصا توان تأمین محل اسکانی برای خود متناسب با شئونات دانشجویی را دارا می باشند داوطلب تحصیل در این دانشگاه گردند. بدیهی است هنگام ثبت نام لازم است دانشجویان شهرستانی مدارک بیشتر در مورد تأمین محل اسکان خود را ارائه نمایند.

روابط عمومی دانشگاه شهید بهشتی

— نظیر همین اطلاعیه که در "اطلاعات" مورخ ۲۴/۵/۶۲ درج شده، اطلاعیه های دیگری نیز از طرف دانشگاه شهید چمران، اهواز و علامه طباطبایی در اطلاعات مورخ ۲۴/۵/۶۲ شریافته است. با مختصر نگاهی به مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی معلوم می شود که "عدم امکانات" نه منحصر به خوابگاه دانشجویی است و نه محدود به دانشگاهها. اینک نمونه هایی از سایر "اطلاعیه ها":

اطلاعیه اول

اطلاعیه مهد کودک "لقاء الله" ("علی اصغر" سابق) در مورد نگاهداری اطفال

نظر به این که علیرغم تلاشهای مکرر و پیگیری های به عمل آمده تاکنون موفقیتی در امر تأمین جا و وسایل نگاهداری و پرستار و غذای کودک حاصل نگردیده است، لذا از کلیه پدران و مادرانی که علاقمند باشند کودک دلبندشان را به این موسسه خیریه اسلامی بسپارند تقاضا می شود به عدم امکانات ما توجه کامل مبذول فرموده هنگام مراجعه و ثبت نام اطفالشان ضمانت نامه رسمی به دفتر این موسسه تسلیم و بقیه در ص ۶

فراخوان سازمان عقوبین المللی:

بقیه از ص ۱

فرستادن نامه فوری، تلگرام و تلکس به خمینی، خامنه ای، حسن ابراهیم حبیبی (وزیر دادگستری) و سفارتخانه های ایران در خارج، از جمله:

— نگرانی خود را از گزارش محکومیت به اعدام محمود سید روغنی، کیومرث زره پور، انوشیروان لطفی و رضی الدین تابان ابراز دارند

— خواستار اطلاعات بیشتر درباره چگونگی اتهام و تاریخ و محل محاکمه آنها شوند؛

— ناخشنودی خویش را درباره اعدام های بی شمار و ادامه آنها به گوش مقامات ایران برسانند.

در حاشیه رویدادها

مقدمه چینی برای ایجاد روابط رسمی با آمریکا

مقدمات آشتی رسمی ج.ا. و آمریکا چیده می شود. از سوئی کارتر رئیس جمهور پیشین ایالات متحده در ملاقات با مقامات ترکیه خواهان پادرمیانی آنها برای ایجاد روابط میان دو کشور ایران و آمریکا می شود، از سوئی دیگر رئیس مجلس ج.ا. از مقامات آمریکائی دعوت می کند تا برای ایجاد رابطه با ایران "پیشقدم شوند" و "زمینه مساعد" را فراهم کنند. موضع گیری اخیر رفسنجانی در کلوب ملی خبرنگاران ژاپنی نسبت به آمریکا، که کمی هم شکل گله و کله گزاری دارد، بیانگر این واقعیت است:

"در مورد این که با آمریکا بناداریم روابطی ایجاد کنیم، باید بگویم: ما پیش از انقلاب و بعد از انقلاب قرار نداشتیم که با آمریکا قطع رابطه کنیم.

ماه ها بعد از پیروزی انقلاب، آمریکائی ها در کشور ما سفارت داشتند، با این که مسئول خیلی چیزها در ایران آمریکا بود. ولی آمریکایی ها با ما خیلی بدکردند. از ماه های اول سفارتخانه آنها تبدیل شد به لانه جاسوسی و شروع کردند به توطئه چینی و بعد هم شاه را که مسئول این همه جنایات در ایران بود، بردند آمریکا و اموال زیادی را که خانواده شاه در آمریکا جمع کرده بودند به ما برنگرداندند. شاه را هم حاضر نشدند تحویل ما بدهند. روابط ما تیره شد و بعد از آن هم آمریکائی ها خیلی به ما بدکردند. می دانید، در جنگ سیستم نظامی ما عمدتاً آمریکایی است و قطعات و وسائل جنگی ما که قبلاً پولش را داده ایم اکنون در انبارهای آمریکا است و حتی هزینه انبارداری را هم به پای ما می نویسند و در سراسر دنیا علیه ما توطئه می کنند. در همین جریان تروریستی هواپیماربابی، من تلویزیون آمریکا را اینجا می بینم، کانال دوم را. همه همش سمپاشی است و انحراف افکار عمومی.

آمریکائی ها اول باید پیشقدم شوند. آنها مدتی باید از گناهان خود توبه کنند و کارهای بدی را که نسبت به ما انجام داده اند جبران نمایند. مدتی است افکار عمومی ما نسبت به آمریکا بسیار خشمگین است، تعدیل کنند، زمینه کنند اگر زمینه مساعد شود، ما تا همیشه نمی خواهیم با آمریکا قطع رابطه کنیم. اما در حال حاضر با این رفتاری که آمریکا دارد، هیچ گونه راهی من نمی بینم..." (اطلاعات، ۷ مرداد ۶۴).

گوشه ای از زندگی دردناک عشایر

گوشه ای از وضعیت دردناک زندگی عشایر میهن دردمندان را از زبان سیدرضاتقوی امام جمعه شهرکرد بشنویم:

"آمار بی سوادی در این جامعه (جامعه عشایر) حتی در پاره ای نقاط به ۹۸ درصد می رسد. روی

در این بیمارستانها هستند که افراد راه سوی بیمارستانهای خصوصی سوق می دهند و وضع بیمارستانهای خصوصی را هم که می دانید می دانید که نرخها چگونه است" (اطلاعات، ۲۹ تیرماه ۶۴).

البته آقای دکتر شیبانی بجای این که از دولت بخواهد بخشی از بودجه جنگ خانمان سوز را به زخم بهداشت و درمان بزند، مطابق شیوه مرسوم دیواری کوتاه تر از دیوار مردم پیدانی کند و پیشنهاد او این است که در بیمارستانها صندوقی ایجاد شود تا "یک مقدار از کمبود بیمارستانها را خود مردم تامین کنند" (همانجا).

به این می گویند. راه حل مسئله درمان. بدا بحال مردم و بویژه بیماراران!

بحران قرض ریسمانی بر گردن خلق های امریکای لاتین

به اعتقاد نمایندگان ۲۹ دولت که در کنفرانس اتحادیه صنعتی کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب در هاوانا برگزار شد، "بحران قرض ریسمانی بر گردن خلق های آمریکای لاتین است"

آنها دلائل بسیار جدی دارند تا رنگ خطر را بصدا درآورند. قرض کشورهای آمریکای لاتین اکنون به ۲۶۰ هزار میلیون دلار رسیده است. پرداخت بهره این قرضها، در هر سال سر به ۲۰ میلیارد دلار می زند که بخش چشمگیری آن درآمدهای صادراتی آنها را می بلعد و در نتیجه بیآمدهای فاجعه باری بوجود می آورد؛ برنامه های رشد اقتصادی - اجتماعی حذف می گردد، دستمزد واقعی زحمتکشان کاهش یافته و وضع خدمات درمانی، تامین مسکن و غذا برای اهالی بدتر می شود. تولید ناخالص ملی اکثر کشورهای آمریکا در ۱۹۸۴، نه درصد کمتر از ۱۹۸۰ بود. بیکاری در بسیاری از این کشورها از بیست درصد کل نیروی کار تجاوز می کند و در حال حاضر در سطح منطقه ۱۲۰ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند. بر طبق گزارش اخیر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، آمریکای لاتین حادثترین، ژرف ترین و طولانی ترین بحران (بعد از بحرانی که در آخرین سالهای دهه ۵۰ روی داد را تجربه می کند.

چه کسی مسئول این وضع است و بایستی مورد سرزنش قرار گیرد؟ قبل از همه شرکت ها و بانک های چندملیتی که موفق شدند اینگونه منطقه را در ورطه قرض فروبرند و سودهای افسانه ای از این طریق به جیب بزنند. در این میان، کشورهای غربی و بویژه ایالات متحده تقصیرکار هستند که مدل "اقتصاد لیبرالی" را - که به سود انحصارات امپریالیستی است - به بسیاری کشورها تحمیل کردند و سپس نرخ های بهره بانکی را در اوائل دهه هشتاد به گونه سرسام آوری افزایش دادند. تلاش آمریکای لاتین برای برون رفت از منجلاط بحران، تاکنون به موفقیت نمانجامیده است، و غده سرطان این قرضها همچنان رشد می کند و با رسیدن به ۴۰۰ میلیارد دلار تا پایان سال جاری، به عامل تهدیدکننده ای بقیه در ص ۶

مسایل بهداشتی و درمانی آنها باید سرمایه گذاری کرد. واسطه ها هنوز دسترنج یک ساله عشایر را با قیمت ناچیزی به خود اختصاص می دهند... عشایر از نظر توزیع مایحتاج خود در مضیقه اند. عشایر می توانند بپرسند: چرا پس از هفت سال از انقلاب هنوز کاری برای ما انجام نشده است؟ آنها می توانند بپرسند چرا بکند "اطلاعات" ۱۹ مرداد ۶۴.

بیان جنایت و دزدی آموزش و پرورش

اکرمی وزیر آموزش و پرورش در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت:

"از ابتدای جنگ تاکنون ۱۵۰۰ معلم آموزش و پرورش به شهادت رسیده اند و مبلغ یک میلیارد تومان کمک های نقدی معلمین ایثارگر و کارمندان و دانش آموزان فداکار به جیبها تقدیم شده است" (اطلاعات، ۲۰ مردادماه ۶۴).

بله، در شرایطی که از دیدگاه سران جنایتکار ج.ا. "اولویت" با جنگ است و با توجه به این که چندی پیش آقای وزیر در مجلس از کمبود ۷۰ هزار معلم سخن گفت، لابد بود و نبود ۱۵۰۰ نفر معلم در آموزش و پرورش در ماهیت امر تأثیری نمی تواند داشته باشد. در این چارچوب رژیم می تواند دستبرد یک میلیارد تومانی از جیب معلمان و کارمندان و دانش آموزان را هم توجیه کند.

تو خود حدیث مفصل پخوان...

سرپرست "ستاد بازسازی و نوسازی" استان باختران:

"میزان خسارات وارده ناشی از حملات موشکی و بمبارانهای زمستان و بهار امسال بیش از ۸ میلیارد ریال است" (اطلاعات ۱۷ مرداد ۶۴).

ذخایر ارزی کشور در خدمت جنگ

مجلس در ۱۲ مرداد، لایحه بودجه ارزی سال ۱۳۴۴ را با شش ماه تاخیر از تصویب گذراند. یکی از تبصره های این لایحه مصوبه مجلس، به دولت اجازه می دهد که تا ۵۰ درصد ذخایر ارزی در سال ۶۴ را جهت خرید لوازم دفاعی کند.

سالانه ۲۰ هزار نفر قربانی حوادث کار

در شرایطی که کارگران و زحمتکشان چتر هیچ تامین اجتماعی را بر سرخود احساس نمی کنند، میرخانی، معاون توانبخشی سازمان بهزیستی اعلام داشت:

"طبق آمار موجود سالیانه ۲۰ هزار نفر در رابطه با حوادث ناشی از کار مصدوم و مجروح می شوند که درصدی از آنها با از کار افتادگی توأم است" (کیهان، اول مرداد ۶۴).

وضعیت اسفبار درمان در ج.ا.

وضع درمان در ج.ا. بسیار اسفبار است. دکتر شیبانی می گوید: "شبهارکس به بیمارستانها مراجعه می کند شکایت دارد که رسیدگی نمی کنند، چه بیمارستان دانشگاهی و چه بیمارستان بهداری، فرقی نمی کند و بعضیها

درباره لایحه ارتجاعی قانون کار

دولت جمهوری اسلامی پس از یک سال در پی برده نگاه داشتن آخرین پیش نویس قانون کار و بدنبال زنجیره ای از مانورهای تبلیغاتی و انحرافی در زمستان سال گذشته، لایحه قانون کار را در اردیبهشت ماه امسال به تصویب رساند و به مجلس ارائه کرد. این لایحه آئینه تمام نمانی از ماهیت ارتجاعی رژیم است و مسلمانان این نظر در تاریخ ثبت خواهد شد.

"نامه مردم" بلافاصله بعد از این اقدام رژیم، به کارگران و زحمتکشان کشور نسبت به این توطئه هشدار داد و خواهان بسیج همه جانبه به منظور افشای این لایحه ارتجاعی و عقب نشاندن حکومت شد. در اینجا به تفصیل بیشتری مهمترین جهات ارتجاعی این لایحه را بررسی می کنیم. **شمول قانون کار!**

در کشور ما بیش از ۵ میلیون نفر مزد و حقوق بگیر، کارگر و کارمند، با مسائل عمومی مشترک به کار اشتغال دارند. یک قانون کاردموکراتیک باید تمام این جمعیت را در نظر بگیرد. لایحه کنونی نه تنها بخش های مختلفی از کارگران و زحمتکشان را تحت پوشش قوانین جداگانه قرار می دهد، بلکه تعداد کثیری از آنان، یعنی کارگران واحدهای زیر ۱۰ نفر، کارکنان واحدهای خانوادگی، مستخدمین منازل، بخش بزرگی از کارگران واحدهای کشاورزی، ساختمانی و غیره را بطورکلی از شمول قانون کار خارج می کند. بدین ترتیب هیچ محدودیت و قید قانونی این توده وسیع را در مقابل استثمار وحشیانه حمایت نمی کند.

حق اشتغال و امنیت شغلی

اشتغال به مثابه حق مسلم تمام اهالی قادر به کار کشور در این لایحه به رسمیت شناخته نشده است. در قوانین کار دموکراتیک، دولت تقبل می کند که برای همه داوطلبان کار شغل مناسبی ایجاد کند دولت جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی رژیم، برعکس به هیچوجه وظیفه خود نمی داند و قصد آن ندارد تا برای میلیونها بیکار در سراسر کشور چاره ای بیاندیشد. از اینرو تمام وظائف خود را در چهارچوب تنظیم نحوه اخراج خلاصه می کند. روح ماده ۲۲ قانون کار رژیم شاه در این لایحه همچنان حاضر است. مطابق ماده ۱۷ کارفرما می تواند پس از یک یا سه ماه از بدو استخدام، کارگران را بدون کوچکترین دلیل اخراج کند.

بعلاوه رژیم بخود اجازه می دهد که تحت نام "تعلیق" با استناد به مواد ۲۶ و ۲۷ این لایحه، کارگران واحدهائی را که بطور کامل یا ناقص تعطیل می شوند، همچنین کارگرانی را که بدون دلیل به اسارت دادستانی رژیم درمی آیند، بدون پرداخت خسارت، اخراج کند.

سازمان های صنفی کارگری

گره اصلی این لایحه ارتجاعی موضوع سازمان های صنفی طبقه کارگر است. حاکمیت جمهوری اسلامی از بدو انقلاب، طی زمامداری دولتهای

مختلف، در زمان وزارت هر شش وزیر کار، در پیش نویس اول، دوم، تکمیلی و بالاخره در این لایحه به اشکال مختلف و با تمام وجود تلاش کرده است تا از ایجاد سازمانهای مستقل و آزاد کارگری جلوگیری کند. فصل ششم این لایحه که با عنوان "تشکل های کارگری" مشخص شده، نشانگر آخرین تاکتیک رژیم در این عرصه است. این فصل که در یک قانون کار مردمی می بایست به عنوان مهمترین ستون قانون به حساب آید، در این لایحه کوتاهترین فصل است. مواد ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۵۱ این فصل به ترتیب به انجمن های اسلامی، شوراهای کار و انجمن های صنفی کارگران و کارفرمایان اختصاص یافته اند.

گنجانیدن ماده ای مربوط به انجمن های اسلامی در فصل "تشکل های کارگری" نشانه عمق ماهیت ضد کارگری رژیم است. امروزه همه کارگران و زحمتکشان کشور انجمن های اسلامی را نهادهای جاسوسی، تفتیشی، ارباب و سرکوب و



مامرتن پهروران و مفت خوران می دانند. انجمن های اسلامی شاخه های حزب جموری اسلامی هستند و از هر نظر- ماهیت و عملکرد- هیچگونه ارتباط و نزدیکی با "تشکل های کارگری" ندارند.

ماده ۱۵۰ به امر شوراها یعنی یکی از مهمترین مسائل زندگی کارگران کارخانجات اختصاص دارد. رژیم با تصویب بی سرو صدا و جداگانه قانونی در مورد شوراها، در اینجا تنها به اشاره ای کوتاه به آن قانون اکتفا کرده و در واقع قانون کار خود را از این باروزین، خلاص کرده است. قانون شوراها که در بهمن ماه سال گذشته و بعد از یک سال و نیم توقف در مجلس، به تصویب رسید، آخرین توطئه رژیم برای از محتوی تهی کردن شوراهای کارگری بود. کارگران و زحمتکشان پیشرو و فعالین صنفی این قانون را ارتجاعی دانستند و آنرا افشا کردند.

رژیم از یکسو برخلاف، خواست کارگران، نماینده کارفرمایان را در این شوراها جایی دهد و از سوی دیگر همین شوراها را "تشکل کارگری" می خواند. ولی آن شوراهایی از نظر کارگران "تشکل کارگری" محسوب می شود که اولاً آزادانه و بدون کنترل و حق وتو و حق انحلال وزارت کار و کارفرمایان ایجاد شوند و

ثانها کارفرمایان در آن جای نداشته باشند. ماده ۱۵۱ اشاره کوتاهی است به انجمن های صنفی کارگران و کارفرمایان موضوع اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی.

رژیم ۵ سال پس از تصویب قانون اساسی و دو سال و نیم پس از پیروش به حزب ما که از مبلغان سر سخت و شناخته شده اجرای این اصل بود، این ماده را در لایحه قانون کار خودجای داده است. هدف او چیست؟ رژیم از آگاهی کارگران نسبت به امر تشکل های صنفی و حساسیت آنها در این رابطه می هراسد. رژیم با عنوان کردن این ماده به اصطلاح خواسته است دست پیش را بگیرد که پس نیفتد. این عمل را تنها می توان یک دغلکاری کثیف نامید.

تشکل های صنفی کارگران و زحمتکشان به تدوین قانون از جانب دولت نیازی ندارد. دولت تنها موظف است آزادی تشکل آنها را تضمین کند.

حق کارگران و زحمتکشان در ایجاد آزادانه سازمانهای صنفی خود باید در قانون کار به رسمیت شناخته شود. لایحه کنونی کوچکترین اشاره ای به این امر ندارد. فصل "تشکل های صنفی"، در مجموع، با این هدف تدوین شده است: کسب اعتبار برای انجمن های اسلامی، مقبولیت بخشیدن به قانون ارتجاعی شوراها و گرفتن رای اعتماد از کارگران برای این لایحه ارتجاعی با دادن وعده ایجاد انجمن های صنفی.

حق اعتصاب:

اعتصاب مهمترین اسلحه کارگران در مبارزه با بیدادگری های کارفرمایان و رژیم مدافع آنها است. تمام تاریخ ۷۰ ساله جنبش کارگری ایران و به خصوص مبارزات اعتصابی سالهای اخیر نشان می دهد که کارگران اعتصاب را حق مسلم خود می دانند و از آن در مبارزات مطالباتی شان وسیعاً استفاده می کنند. این حق باید در قانون کار به رسمیت شناخته شود. نقض این حق چیزی جز نقض حق مسلم طبقه کارگر نیست. رژیم در مواد ۱۸۴ تا ۱۸۶ لایحه، در مبحث "رسیدگی به اختلافات ناشی از پیمانهای دستجمعی کار" به این کار دست زده است.

در ماده ۱۸۴ رئیس اداره کار و امور اجتماعی محل مکلف می گردد که در صورت بروز اختلافات بین کارگران و صاحب کار اقدام نماید. در ماده ۱۸۵ به دولت اختیار داده شده "به هر نحوی که مقتضی می داند کارگاه را به حساب" حب کار اداره کند. ماده ۱۸۶ اعتصاب در واحدهای بخش خدمات عمومی را ممنوع اعلام کرده است. هراس رژیم از اعتصاب باعث شده است تا در تمام این سه ماده و همچنین در تمام متن لایحه از بکار بردن لغت اعتصاب خودداری کند.

ساعات کار

پس از انقلاب کارگران موفق شدند ساعات کار را از ۴۸ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت کاهش دهند. این یکی از دستاوردهای مهم انقلاب بود. کارگران در مبارزات بعدی خود خواست ۴۰ ساعت کار هفتگی را مطرح کردند. این لایحه نه بقیه در ص ۸

ماشین دوزخی معلول ساز جنگ باید از حرکت باز ایستد

به مامی نویسنده

برای آنکه ماشین دوزخی کشتارگر، معلول ساز و ویران کننده جنگ همچنان با خون مردم ایران و عراق از حرکت باز نایستد. و به قیمت سیه روزی مردم، اهداف ماجراجویانه رژیم دنبال شود، حکام و افسرهای ج.ا. هر روز به زمینه چینی غیرانسانی نوپتی دست می یازند. آنها از یکسویه دلیل اوچگیری خشم و ناخشنودی مردم بازار تبلیغات و فتواترانشی ها را داغ کرده اند و از سوی دیگر تلاش های ظاهرپردازانه ای همانند "بهزیستی" و "تامین مادی و معنوی معلولین و وابستگان شهیدان" انجام می دهند.

در شرایطی که رژیم با ادامه جنگ هر روز صف معلولین را درازتر می کند، باز بی شرمانه دم از فراهم کردن "رفاه حال معلولین" می زند. حال برای آنکه بی محتوا بودن این "تسهیلات" و تبلیغات بی برده شود، نخست بجاست که با نمونه های از آخرین "تسهیلاتی" که رژیم برای معلولین جنگی فراهم ساخته است، بعنوان یک روی سکه قلابی رسیدگی به حال معلولین آشنا شویم. اخیراً، رژیم در پی بستن قرارداد خرید ۹۰۰ دستگاه وانت "مزدا" از ژاپن، اعلام داشت که، "تعدادی از وانت های سفارشی ایران، به صورت اتوماتیک برای استفاده معلولین جنگی ساخته می شود" (اطلاعات ۲۲ ر ۵۶). در اسفندماه سال گذشته نیز آخرین دستاورد و "وسيله ابتکاری" که در جمهوری اسلامی "برای رفاه بیشتر معلولین" ساخته شده بود، عرضه گردید: "پای مصنوعی". در این ارتباط، به نوشته روزنامه اطلاعات "با ساخت مفصل گردان دریای مصنوعی، مشکل نشستن معلولین حل شد ... از این پس معلولین می توانند مانند افراد عادی، دو زانو یا چهار زانوری زمین بنشینند". همچنین "با سرمایه مرکز اورتویدی فنی بنیاد شهید"، انواع عصاهای طبی بادشونده و "رادارسونیک" برای نابینایان و وسایل کمکی از قبیل انواع توالت و دستگیره کمکی" ساخته شده است (اطلاعات ۱۱ ر ۶۲) و "تولید انبوه" آنها ادامه دارد. افزون بر این ها، هرچندی یکبار رسانه های گروهی ج.ا. درباره "آخرین پدیده های علم و فن در خدمت معلولین" داد سخن می دهند.

آیا برآستی در زمینه رسیدگی به وضع معلولین و مجروحین جنگی، رژیم واقعیت را در معرض افکار عمومی قرار می دهد؟ آیا صدها هزار معلولی که عضوی از بدن خود را از دست داده اند، هم اکنون با عضو ترمیمی مصنوعی، با در اکثریت موارد بدون آن "در پرتو عنایات" رژیم سرخوش و خوب، زندگی سرشار از آرامش و آسایش را می گذرانند؟ آیا واقعاً رژیم غمخوارانه به داد معلولین می رسد و حداقل از نظر مادی شرایط مساعدی برای آنها فراهم می سازد که آنها ناگزیر نباشند برای گذران زندگی زبیربار مشکلات

اقتصادی کمر خم کنند؟ برای دریافت پاسخ باید گوشه ای از چهره واقعی و خشن بی اعتنائی رژیم نسبت به سرنوشت تلخ معلولین و مجروحین جنگی و خانواده هایشان نظر افکند.

واقعیات سرسخت و انکارناپذیر مویده آن است که رژیم قربانیان سیاست ماجراجویانه خود را تنها تا جبهه های سوزان همراهی می کند، ولی هنگامی که زخم برمی دارند، عضوی از بدن آنها مجروح یا متلاشی می شود، معلول می گردند، دیگر آنها را به حال خود رها می سازد. یکی از جوانانی که در سال ۶۱ در جبهه خرمشهر مجروح شده و هنوز بهبود نیافته، در گفتگوی خبرنگار "اطلاعات" می گوید: "در حال حاضر ماهیانه ۷۰۰ تومان اجاره خانه می دم ... فعلاً بیکار هستم و ۱۴ روز است که برای درمان به تهران آمده ام، اما هرکدام مرا به جایی پاس می دهند؟ چرا؟" (اطلاعات ۱۹ دی ماه ۶۲).

عیسی ولائی، نماینده آمل نیز می گوید: "عده ای از جانبازان انقلاب از درد و الم در عذابند و به خارج اعزام نمی شوند" (اطلاعات ۲۲ دی ماه ۶۲). افزون بر اینها، همانگونه که نمونه هایی چند از "تسهیلات" ناپیشتی رژیم را از نظر گذرانیم، خوب است با نمونه هایی از زندگی نابسامان و پریشان حالی های معلولین هم آشنا شویم.

حسین لرنی، ساکن دورود لرستان، در گفتگوی خبرنگار "اطلاعات" می گوید: "در جبهه کردستان مجروح شدم، زانوهایم معیوب شده است. ماهی ۱۵۰۰ تومان حقوق می گیرم، اما این حقوق به جایی نمی رسد. خواست من این است که مرا برای کار به جایی معرفی کنند... اجاره نشین هم هستم". محمد حسین خیری که در سال ۶۰ مجروح می گردد، می گوید: "۲ سال است که کاری جدی برای من نشده است. بنیاد شهید مرا به چند جا برای کار معرفی کرده است اما ... کاغذ بنیاد را قبول نکردند. ۱۸ سال دارم ... می گویند با این وضع چه کنم؟". بدالله حیدری، ساکن نور کزباد لرستان، می گوید: "در جبهه ترکش خمپاره خوردم، پس از بهبودی نسبی مشغول به کار شدم فقط ۲ هزار تومان حقوق می گیرم. اتا این حقوق کافی نیست و زندگی با این حقوق نمی چرخد" (اطلاعات ۱۹ دی ماه ۶۲).

اینک با توجه به حقایق پیش گفته می توان به ماهیت تبلیغات پرتب و تاب رژیم پهرامون وعده و وعید درباره دست و پای مصنوعی "با مفصل گردان" یا "کامپیوتری" برای جوانان میهن مان پی برد. این وعده ها جز یکی از عناصر تبلیغاتی رژیم برای ادامه جنگ نیست. در پشت این تبلیغات عوامفریبانه جز فراخوان به مرگ و سیه روزی هیچ چیز وجود ندارد.

گیریم معلولین یک عضو مصنوعی با کیفیت عالی بر پیکر خود پیوند زدند و به فرض محال از حقوق مسلم و اولیه انسانی همانند کار بر خوردار شوند،

بقیه از ص ۸

هایشان را به جر و بحث و چانه زدن با مامورین صرف می کنند. در این بین، ماموران تخریب، در زیر نگاه حیرت زده اهالی شروع به تخریب می کنند. با تخریب اولین خانه ها، مردم به خشم می آیند و شدیداً با مامورین درگیری می شوند. ولی در این درگیری ناپراهر، کمیته چپ ها و پاسداران مقاومت مردم را در هم می شکنند. گفته می شود در طی این درگیری، شهردار منطقه بشدت مضروب شده است. از سوی دیگر، تا نزدیکی های صبح، کار تخریب واحدهای تازه ساز و قدیمی ساز، از یک طبقه گرفته تا ۲ طبقه، ادامه پیدا می کند.

با پخش خبر وحشی گری ماموران رژیم در سطح شهر تهران، فردای آن روز مردم از نقاط گوناگون به محل های خراب شده می روند تا از منطقه شماره ۲ که به مناطق بمباران شده شباهت پیدا کرده بود، دیدن کنند. روز بعد از تخریب مغول وار منطقه شماره ۲، مردم در آنجا شاهد صحنه های دلخراشی بودند. زیرا بسیار بودند کسانی که در غم از دست دادن خانه و زندگی خود یعنی حاصل یک عمر رنج خود، به تلخی می گریستند و با زانوی غم به بغل گرفته بودند. برآستی باید گفت محله مسکونی شماره ۲ به نایشگاه جدید جنایات رژیم تبدیل شده است. درجاده ورامین نیز همین ماجرا تکرار شد.

آنگاه از حکام ج.ا. باید پرسید: برای هزاران هزار زخم و جراحت معنوی و ناهنجاری های عصبی و روانی معلولین جز تحویل مشتکی داستان بی سرتو و چند "بارعام" چه فکری کرده اید؟ برای این پرسش و خواست مردم و معلولین که چرا دستگاه معلول ساز جنگ را از حرکت باز نمی دارید، چه پاسخی جز مشتکی ابا طیل دارید؟

حکام و افسرهای ج.ا. به پرسش هایی از این دست نمی اندیشند. آنها به این می اندیشند که چگونه با سرکوب هرگونه خروش اعتراض و ندای صلح طلبانه راه سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه خود را هموار کنند. در این رهگذر، آشکار است که حزب توده ایران با تامین هرگونه وسایل بهزیستی و هرگونه اقدامی برای بهبود نقص عضو معلولین و از جمله ترمیم های مصنوعی مدرن مخالف نیست، بلکه حزب ما با سیاست ادامه این جنگ خانمانسوز و بی معنا که هر روز گروه گروه از فرزندان این آب و خاک را به سود امپریالیسم و ارتجاع ما به کشتن می دهد یا برای همه عمر ناقص العضو و علیل و گوشه نشین می کند، مخالف است. خواست پایان جنگ و شعار صلح، خواست برحق توده های مردم است. باید به جنگ پایان داده شود!

جنگ عامل تشدید کننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان،

بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

سیاست نفتی ج.ا.ا.

بقیه از ص ۱

خواهد گذارد. او یک دو راه در پیش دارد: کاهش تولید و یا کاهش بهای نفت ..."

سیاستی که انحصارات نفتی امپریالیستی از سال ۱۹۷۴ دنبال کرده اند، تلاش آنها را در کاهش بهای نفت به اثبات می‌رساند. طبق ارزیابی اقتصاددانان غربی در سال ۱۹۷۴ در حالی که تقاضا برای نفت ۵ را درصد افزایش یافت، استخراج طلای سیاه در دریای شمال از یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه به ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه رسید.

در برابر این تعرض و دیگر تهدیدات انحصارات امپریالیستی او یک ناگزیر گردید، تولید نفت کشورهای عضو را از ۲۱ میلیون بشکه به ۵ و ۱۷ میلیون بشکه در روز تقلیل دهد و بهای نفت را از ۲۴ دلار به ۲۹ دلار در هر بشکه پایین بیاورد، (وال استریت جورنل ۲۲ مارس ۱۹۷۳). در همین رابطه ریگان رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس لندن اعتراف نمود که این آمریکا بود که توانست قیمت نفت را از ۲۴ دلار به ۲۹ دلار در هر بشکه کاهش دهد. از سوی دیگر ستاد انتخاباتی ریگان در جریان تبلیغات انتخاباتی به انحصارات آمریکایی وعده داد که: "ما همه وسایل و ابزار را برای مقابله با او یک در اختیار داریم و بزودی قیمت نفت به ۲۵ دلار در هر بشکه خواهد رسید."

هم اکنون بهای نفت در بازارهای آزاد بشکه ای ۱ تا ۲ دلار پایین تر از قیمت رسمی نفت او یک است و انحصارات غربی نفت کشورهای خلیج فارس را با تخفیف هر بشکه ۱ تا ۲ دلار خریداری می‌کنند. اما این کافی نیست. انحصارات غربی در این تلاش اند که با تقلیل بهای رسمی نفت او یک به ۲۵ دلار آن را تخفیف های موجود از کشورهای صادرکننده نفت خریداری کنند. تخفیف پی در پی بهای نفت از طرف تولیدکنندگان غیر او یک در هفته های اخیر و وفور نفت در بازار جهانی این نکته را تأیید می‌کند. در این میان انگلیس و نروژ در کاهش قیمت نفت و عرضه فراوان آن به بازار نقش فعالی برعهده دارند. هنری شولر کارشناس امور انرژی در مرکز تحقیقات بین المللی استراتژیک دانشگاه "جرج تاون" در این باره می‌گوید: "در حال حاضر تقریباً روزانه ۲ میلیون بشکه نفت اضافی در بازارهای جهانی وجود دارد" (کریستین ساینس مانیتور، ژوئیه ۱۹۷۵).

کاهش بهای نفت او یک مستقیماً بسرد انحصارات و کشورهای امپریالیستی است. به نوشته روزنامه کریستین ساینس مانیتور "کاهش بهای نفت از قرار بشکه ای ۵ دلار موجب خواهد شد میزان تورم آمریکا ۱ درصد پایین بیاید و میزان تولید ناخالص ملی این کشور ۵ درصد افزایش یابد". تشدید اختلافات میان اعضای او یک به انحصارات امپریالیستی در رسیدن به اهداف شان کمک می‌کند. یکی از علل اختلافات فروش نفت به بهای پایین تر از قیمت تعیین شده است. نشریه "پترولیوم انتلیجنس ویکلی" در این

باره می‌نویسد: "کشورهای عضو او یک روزانه فقط ۲ میلیون بشکه نفت را به بهای رسمی می‌فروشند". به نوشته این مجله ایران برای شتاب دادن به صدور نفت خود هزینه حمل طلای سیاه به پالایشگاه را با بهای محصولات آماده در بازار رتردام تاخت می‌زند. اگرچه این تخفیف ها به برخی از کشورهای او یک کمک کرده است فروش نفت خود را برای دوران کوتاهی افزایش دهند، ولی این تخفیف ها در آینده منجر به اشباع بازار نفت میشود که هم اکنون با وفور نفت روبروست.

سردمداران ج.ا.ا. مانند فرمانروایان عربستان سعودی نه تنها با ارزان فروشی نفت - موضع او یک را در مبارزه با انحصارات نفتخوار بین المللی تضعیف می‌کنند، بلکه برای تأمین هزینه سرسام آور جنگ توسعه طلبانه و تهیه ارز برای خرید محصولات کشاورزی و مواد اولیه مورد نیاز صنایع وابسته از بازارهای امپریالیستی، زیان جبران ناپذیری به ثروت ملی کشور وارد می‌کنند. عبدالعلی زاده عضو مجلس تحمیلی در این باره می‌گوید: "چرا دلارهایی را که با خون جوانان کشور بدست می‌آید می‌دهیم و گندم وارد می‌کنیم؟". یکی از علت های مهم کاهش درآمد نفت ایران ارزان فروشی آن به کشورهای امپریالیستی است. این واقعیت را می‌توان از آماري که قاضی زاده عضو دیگر مجلس تحمیلی ارائه داده بوضوح تشخیص داد: "درآمد نفت در سال جاری تا آخر سال ۶۴، ۱۸۰ میلیارد تومان پیش بینی شده بود که ۱۲۵ میلیارد تومان آن بیشتر تأمین نمی‌شود. ولی می‌بینیم که در این لایحه درآمد حاصل از نفت برای سال ۶۴، ۱۶۵ میلیارد تومان تعیین شده است. آیا با توجه به درآمد نفت در سال جاری پیش بینی ۱۶۵ میلیارد تومان درآمد نفت برای سال ۶۴ یک پیش بینی کاذب و سیاست ناصواب نیست؟" (ج.ا.ا. ۱۲ اسفند ۶۴).

خیانت رژیم ولایت فقیه در سیاست نفتی کشور منحصر به حراج نفت در بازارهای بین المللی نیست، بلکه استخراج غیر علمی نفت از چاهها و زیان های فاحشی به این ثروت ملی وارد آورده است. این مسئله در مطبوعات تحت سانسور کشور اینگونه بازتاب یافته است: "روش استخراج ما در نفت باعث نابودی یک سوم آن می‌شود... و به جای عمر چنده ساله، عمر آن را به ۱۵ سال کاهش می‌دهیم" (اطلاعات، ۱۴ اسفند ۶۴).

"در سال گذشته ۲۰ درصد از گازهای تولیدیمان همراه با اکتشاف نفت از بین رفت ... ما اگر پیش از ۵۰ میلیون بشکه روزانه نفت تولید کنیم، این اشکال هست، که مازاد گازهایش را نمی‌توانیم جمع کنیم. با این شیوه غیر علمی که چاهها را استخراج می‌کنیم، باعث نمکی شدن خواهد شد و با توجه به تزریق نکردن گاز و نفت، هر سه بشکه نفت که می‌گیریم، یک بشکه نفت را هدر می‌دهیم". (زمانی، ج. ۲۰۱ اسفند ۶۴).

بر اثر این سیاست های خائنه، کشور مادر و ضعیفی قرار گرفته که امروز بنا به اعتراف سانسور شده غرضی وزیر نفت: "مقداری فرآورده

اطلاعیه های درباره فقدان امکانات!

بقیه از ص ۲

بموجب آن تعهدکنند که از ما جا و وسایل نگاهداری و پرستار و غذای کودک مطالبه نفرمایند. بدیهی است ضمانت نامه باید به تأیید امام جمعه مسجد محل نیز رسیده باشد.

در مورد کودکانی که به ظن قوی کسی را ندارند، اثر انگشت خودشان با مهر و امضای امام جمعه کفایت می‌کند.

روابط عمومی مهد کودک "لقالله" ("علی اصغر" سابق)

اطلاعیه دوم

اطلاعیه دانشگاه شهید "آموزش عالی"

در مورد استاد

نظر به اینکه علیرغم تلاشهای مکرر و پیگیری های به عمل آمده تا کنون موفقیتی در امر تأمین استاد برای دانشجویان عزیز حاصل نگردیده است، لذا از همه داوطلبان علاقه مند به تحصیل در این دانشگاه تقاضا دارد هنگام انتخاب رشته، به عدم امکانات، از نظر تأمین استاد توجه کامل مبذول کنند و چنانچه توان آن دارند که سرکلاس، در ساعات مقرر، در همان رشته ای که نام نویسی می‌کنند، شخصا به خودشان درس بدهند و وظیفه مقدس استادی را در مورد خود با رعایت شئون دانشگاهی اجرا کنند، می‌توانند داوطلب تحصیل در این دانشگاه گردند. هنگام ثبت نام لازم است دانشجویان مدارک لازم را دال بر "استاد سرخود بودن" داوطلب که به تأیید "حوزه علمیه قم" نیز رسیده باشد ارائه کنند. روابط عمومی دانشگاه شهید "آموزش عالی"

در حاشیه رویدادها

بقیه از ص ۲

تبدیل می‌شوند. نمایندگان شرکت کننده در این کنفرانس اعلام کردند که "پرداخت این قرض غیر ممکن است"، در سند مصوبه در کنفرانس هاوانا، نمایندگان شرکت کننده بر ضرورت لغو قرض و برپایی یک جبهه متحد از وام داران جهت گفتگو با اعتباردهندگان غربی، پافشاری کردند. استواری پایه های اتحاد کشورهای آمریکای لاتین و تلاش جمعی در مبارزه بخاطر نظام اقتصادی نوین بین المللی، یگانه راه دستیابی به عدالت است.

نیز بالاچار از خارج وارد می‌شود که امن رقم معادل ۲۰۰ هزار بشکه در روز است" (کیهان، ۲۰ اردیبهشت ۶۴).

زمانی یکی از اعضای مجلس درباره هزینه این فرآورده ها می‌گوید: "هزینه یک سال فرآورده های نفتی کشور معادل احداث یک پالایشگاه با ۲۵۰ هزار بشکه ظرفیت در روز است و اگر ما این انفال را حفظ نکنیم، گناه کرده ایم" (ج.ا.ا. ۲۰۱ اسفند ۶۴).

ولی، مردم ایران تاراج ثروت ملی را نه یک گناه، بلکه خیانت آشکار به منافع ملی و خدمت به انحصارات نفتخوار امپریالیستی می‌دانند.

گرامی باد خاطره روحانی مبارز

آیت الله طالقانی

شش سال از مرگ آیت الله طالقانی، روحانی و مبارز ضد استبداد و ضد امپریالیست، می گذرد. زنده یاد طالقانی، با وقف زندگی سراسر بپیکار خود در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی، نقش شایسته ای در سازماندهی توده های مردم در راه سرنگونی رژیم پهلوی ایفا کرد. مردم ایران، خاطره نمایش های بزرگ و شکوهمند روزهای تاریخی تاسوعا و عاشورای ۵۷ به پیشگامی او را هیچگاه از یاد نخواهند برد.

آیت الله طالقانی، بخاطر اندیشه های روشن ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و بپیکری انقلابی اش همواره مورد احترام نیروهای انقلابی و مترقی بود. طالقانی، برخلاف سردمداران جمهوری اسلامی از خصلت های انحصار طلبانه و قشری گرایانه به دور بود و از مقام آزادی و آزادی انسان، به عنوان انگیزه "انقلابات بشری"، سخن می گفت و دفاع می کرد. او در ۲۰ بهمن ۵۷ یعنی روزهایی چند پس از پیروزی انقلابی ضد امپریالیستی و مردمی بهمن، در یک گفتگوی مطبوعاتی به گونه ای هشدار آمیز گفت:

"او (انسان) آزاد آفریده شده است و هیچ قدرتی نباید آزادی او را سلب کند... بارها در سخنرانی هایم گفته ام که ... همه انقلابات بشری برای همین بوده است و ما روی معیارهای اسلامی نمی توانیم تحمل کنیم که بیک نظام استبدادی تحمیلی کنار برود، اما استبدادی به صورت استبداد حزب، صنف و گروه بوجود آید." طالقانی نظامی را می ستود که در آن قدرت در دست مردم و شوراهای مردمی باشد. او با زبانی رسا بانگ برمی داشت: "مسئله شوراها یکی از اساسی ترین مسایل اسلامی است... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داده اند."

آیت الله طالقانی انسانی آزاد اندیش و روشن بین بود. او آثار مارکسیستی را مطالعه می کرد و می گفت: "ما در نفعی استثمار و استثمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم." آیت الله طالقانی در آخرین خطبه نماز جمعه خود در روز ۱۷ شهریور که در واقع وصیت نامه او بشمار می آید، از "استبدادی" که "زیر پرده دین" عرضه می شود، شکوه کرد و آن را "خطرناک ترین تحمیلات" نامید.

یکی از برجسته ترین خصوصیات انقلابی آیت الله طالقانی، اعتقاد ریشه دار و اصولی او به ضرورت اتحاد و یکپارچگی همه نیروهای انقلابی و مترقی، قطع نظر از اختلاف های سیاسی و ایدئولوژیک در جبهه وسیع بپیکار برضد امپریالیسم و ارتجاع بود.

امروز که حکومت "استبداد" "ولایت فقیه" در زیر پرده دین "برجامه ایران حکمفرماست، ما همه نیروهای مترقی با اعتقادات مذهبی را به الهام گرفتن از راه و رسم اتحاد طلبانه طالقانی و گام برداشتن برای تشکیل جبهه متحد خلق گرامی خوانیم.

کنترل دائمی زنان شاغل توسط جاسوسان رژیم

اتهامی آنان در هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری نه تنها غیر مجاز نیست بلکه واجب و ضروری است."

تلفنگرام فوری و محرمانه نماینده وزیر آموزش و پرورش در امور "هیئت های رسیدگی به تخلفات" به مدیران کل آموزش و پرورش استانها گواهی بر اثبات این واقعیت است. متن این تلفنگرام به مدیر کل آموزش و پرورش استان گیلان را با هم مرور می کنیم:

جمهوری اسلامی، آزادی را بطور کلی از زنان ممنوع سلب کرده و همه حرکات و رفتار آنها را تحت کنترل دائمی قرار داده است. کار به جایی رسیده است که زندگی خصوصی زنان شاغل زیر ذره بین جاسوسان رژیم قرار گرفته است. سران رژیم دستور داده اند، چنانچه زنان کارمند در "خارج از محیط کار مرتکب اعمال خلاف حیثیت و شئون شغلی (یعنی رعایت نکردن "حجاب اسلامی" مطابق دلخواه عناصر قشری و ارتجاعی) گردیده و می گردند و این امر با مدارک و دلائل مستند قابل اثبات باشد، طرح پرونده

بسمه تعالی

شماره ۸۷۲/ن ۱
تاریخ ۶۴/۲/۳

تلفنگرام ۰ توری

مدیر کل آموزش و پرورش استان گیلان

با سلام و احترام تحیات با رغبت به تلفنگرام ۶۴/۲/۱-۲/۶۳۷-۶۴/۲/۱ چون عدم رعایت حجاب از سوی یکی از مواردی است که بر طبق قانون هیئت های رسیدگی به تخلفات ادارات جرم محسوب گردیده و از نظر ضوابط موظف است برابر با موازین قانونی از انجام هرگونه عملی که خلاف حیثیت و شئون شغلی اش باشد بپرهیز نماید و این امر ویژه مکان و زمان خاص نباشد و با توجه باینکه جمهوری اسلامی بویژه وزارت آموزش و پرورش نیاز به کارمندان دارد که در درجه اول مسلمان و متعهد و مسؤول و از هر جهت دارای صلاحیت کافی باشد بنابراین چنانچه برخی از کارمندان آن اداره عملی از آموزش و پرورش خارج از محیط کار مرتکب اعمال خلاف حیثیت و شئون شغلی گردیده و یا می گردند و این امر با مدارک و دلائل مستند قابل اثبات باشد طرح پرونده اتهامی آنان در هیئت های رسیدگی به تخلفات ادارات نه تنها غیر مجاز نیست بلکه واجب و ضروری است. خواهشمند است دستور فرمایند مراتب بنده و مقتضای مواردی مربوط ابلاغ گردد.

نماینده وزیر در امور هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری، سید محمود خاندان میان

گوشه شمس

گوشه کهریز (۶۴/۲/۳-۱/۶۴)

۱- رونویسی تمام سئوال و پاسخ این اداره از نماینده محترم، قام علی وزارت در امور هیئت های رسیدگی به تخلفات ادارات و پاسخ و اعلام جهت اطلاع و اقدام لازم با ادارات آموزش و پرورش شهرستان و ناحیه منطبقه ارسال میگردد مقتضای است مراتب را درج بکنایه با حضور کتبه خانهای و مکار با آنان ابلاغ فرمایند.

چنانچه افراد متدین و موقر در موردی حجاب بپوشد یا بی حجابی بیسوی از خانهای معلوم گزاران داده و یا افراد آن مسؤول ادارات آموزش و پرورش شخصاً مشاهده نمودند مراتب را جهت طرح در هیئت بدوی باین اداره فکر ارسال نمایند.

۲- اسناد اداری محترم استان گیلان جهت استعلام و اعلام بداد گمتری و کلیه دستگاه های انتظامی استان بیسوی اعلام اسامی آن دسته از مصلحتی که بدلیل عدم رعایت حجاب اسلامی ادارات پرونده میباشند باین اداره کل جهت طرح پرونده در هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات ادارات آموزش و پرورش ارسال نمایند.

۳- در وقت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری
۴- مستندات محترم
۵- واحد نظارت و پیگیری رسیدگی به تخلفات
۶- کارشناسی آموزش و پرورش

مدیر کل، بهروز گرامی

رونویسی به کتبه دبیران و مختارین، دستاویز جهت اطلاع و رعایت بفرمان بخشنامه به خواهش
مدکار از مال میگردد.

رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه آشت

درباره لایحه ارتجاعی قانون کار

بقیه از ص ۴

به خواست دوم پاسخ می دهد و نه وضع موجود را به رسمیت می شناسد. این اولین بار است که در یک سند رسمی مربوط به کار کارگران در جمهوری اسلامی از مفهوم ۴۸ ساعت کار هفتگی استفاده می شود. استفاده از این مفهوم در ماده ۶۶ بدون شک حیلۀ مژورانه ای است برای پایمال کردن یکی دیگر از دستاوردهای کارگران. تثبیت ساعات کار هفته به ۴۸ ساعت، علی رغم توجیهاتی از قبیل وقت نماز و نهار، ارتجاعی است. این موضوع به کارفرمایان امکان می دهد تا مجدداً ساعات کار را به ۴۸ ساعت بازگردانند.

ضمانت اجرائی قانون کار

ضمانت اجرائی قانون کار از محتوای آن جدا نیست.

ضمانت اجرائی باید در عین حال به اشکال زیر تامین شود:

۱- مهمترین ضامن اجرای قانون، نیروی طبقه کارگر است. تنها سازمانهای مستقل و قدرتمند کارگری می توانند کارفرمایان را به مراعات قوانین و ادار سازند. از این رو به رسمیت شناخته شدن حق کارگران در ایجاد آزادانه سازمانهای خود اهمیت دو چندان کسب می کند. این ضمانت اجرائی در این لایحه نقص شده است.

۲- تمام کارفرمایان باید مکلف به اجرای قانون کار باشند. این امر در ماده ۱۲ لایحه، تلویحاً نقض شده است. این ماده شکل تخفیف یافته فصل چهارم پیش نویس سرحدی زاده و آن جمله مشهور موسوی نخست وزیر است که در آبان ۶۱ گفته بود: "نمی توانیم بگوئیم کارفرما و بخش خصوصی کارگزارش را بیمه کند، یا در سال چند روز مرخصی به آنان بدهد و یا حداقل حقوق کارگران چه میزان باشد..."

با این منطقی نمی توان انتظار داشت که کارفرمایان قانون را رعایت کنند.

ما در اینجا تنها رهوس مهمترین عناصر ارتجاعی این لایحه را برشمردیم. ماهیت ارتجاعی این لایحه تنها به این رهوس خلاصه نمی شود. روح ارتجاعی این لایحه در تمامی فصول آن مشهود است و بدون تغییر اساسی در آن، بدون مشارکت واقعی سازمانهای کارگری در جریان تدوین آن، بدون مراعات دستاوردهای جنبش کارگری ایران و مقابله های بین المللی، حتی اگر در این یا آن ماده، در این یا آن زمینه امتیازات کوچکی داده شود، نمی توان از قانونی که حداقل حقوق کارگران را تامین کند، صحبت کرد. کارگران آگاه با پاشیدن بذر آگاهی و فعالین صنفی با تشکیل هسته های صنفی باید کارگران را برای مصاف در این عرصه مهم زندگی حال و آینده بسیج کنند.

طبقه کارگر ایران قادر است با فشردن صفوف و تکیه بر یکپارچگی و اتحاد، این تعرض رژیم را پس راند.

به مامی نویسنند

شکست طرح جدید آموزش و پرورش

هر سال تابستان، در مدارس کلاس های تقویتی ای با استفاده از بودجه آموزش و پرورش دایر می شود. در سال جاری، آموزش و پرورش طی بخشنامه ای اعلام کرد که امسال بخاطر مقابله با کلاسهای تدریس خصوصی، در هر مدرسه کلاسهای دایر می کند. البته حق التدریس آموزگاران این کلاسها را خوددانش آموزان باید بپردازند. بدین ترتیب شرکت در کلاسهای رایگان سابق، حالا برای هر دانش آموز ۴۰۰ تومان آب می خورد. از این جهت روز به روز از تعداد شرکت کنندگان در این کلاسها کم می شود. به قول معروف در بسیاری از مدارس علی مانده و حوش یعنی آموزگار با ۴ الی ۵ نفر دانش آموزه بدین ترتیب طرح آموزش و پرورش با شکست مواجه شده است.

اخراج کارگران به بهانه روزه خواری

اخیراً کارخانه ایران ناسیونال با رکود در تولید روبرو شده است. در نتیجه این رکود که ناشی از مشکلات ارزی و زدوبندهایی با انحصارات امپریالیستی است، تعداد قابل توجهی از کارگران این کارخانه اخراج شده اند. پیش از فرارسیدن تعطیلات تابستانی، مدیریت حدود ۲۵۰ نفر را به بهانه روزه خواری از کارخانه اخراج کرد. اخراج شدگان به مراجع گوناگون از جمله وزارت کشور شکایت بردند. در وزارت کشور به آنها گفته می شود: "جریسه روزه خواری، حد شرعی و شلاق است و نباید شما را اخراج می کردند".

یادآور می شویم، این در آن در زدن و شکایت کارگران تا کنون به نتیجه ای نرسیده است.

ارتباط "ساواجا" و انجمن های اسلامی

در چارچوب فعالیت های گسترده سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ("ساواجا") علیه نیروهای انقلابی در خارج از کشور طرح جدیدی به قرار زیر گنجانده شده است: شبکه ای از پاسداران وابسته به "ساواجا" که به اصطلاح برای مقابله با هواپیما ربایی در پروازهای گوناگون خارجی بعنوان ماموران حفاظت شرکت می کنند، وظیفه تازه ای عهده دار شده اند. این وظیفه عبارت است از تماس گیری با عناصری از انجمن های اسلامی بمنظور دریافت اطلاعات درباره فعالیت نیروهای انقلابی، در خارج از کشور.

در این رابطه، ناگفته نماند که به انجمن های اسلامی سفارش شده است که با تمام توان تلاش کنند تا فعالین نیروهای انقلابی را شناسایی و معرفی کنند.

تخریب "واحدهای مسکونی غیرمجاز"

در اواخر تیرماه، به دنبال تصمیم شورای عالی

قضایی مبنی بر "قاطعیت" به خرج دادن در برابر کسانی که بطور "غیرمجاز" در حاشیه تهران خانه های خشت و گلی ساخته اند، تخریب واحدهای مسکونی "غیرمجاز" دامنه وسیع تری بخود گرفت. ماموران شهرداری با پشتیبانی کمیته، سپاه و ژاندارمری، در مناطق گوناگون، به ویران سازی خانه های زحمتکشانی می پردازند که اغلب آمی در بساط ندارند تا با ناله سوداکنند. هجوم برای خراب کردن خانه ها در اکثر موارد، در شب صورت می گیرد تا مردم نتوانند بایاری گرفتن از دیگر زحمتکشان و اهالی محل، در برابر آنها مقاومت کنند. ولی با این وجود پایداری مردم بسیار چشمگیر است. مثلاً در جریان تخریب واحدهای مسکونی معروف به منطقه شماره ۲، واقع در جاده قدیم کرچ و در جاده ورامین بین مردم و ماموران رژیم درگیری شدیدی روی داد.

جریان حمله به واحدهای مسکونی معروف به شماره ۲ از این قرار بود که حدود ساعت ۱۲ شب تعداد زیادی از ماموران شهرداری با همراه داشتن ۱۷ بلدوزر و درمچیت مشتکی پاسدار تفنگ بدست، بطور کاملاً برنامه ریزی شده، به این منطقه حمله می کنند. ابتدا ماموران سپاه، راه های ارتباطی مناطق مختلف دارای جواز و بدون جواز را می بندند که ساکنین واحدهای مسکونی دارای جواز نتوانند به کمک همنوعان خود بیایند. پس از آن با بلندگو به مردم هشدار داده می شود که هرچه زودتر از خانه های خود خارج گردند تا واحدهای غیرمجاز "برطبق قانون" تخریب شوند. مردم از پذیرش احکام سرباز می زنند و فرصت داده شده برای تخلیه خرت و پرت بقیه در ص ۵

بوزش

علیرغم کوششی که صورت می گیرد، متأسفانه هنوز غلط های چایی و برخی نارسایی های دیگر در "نامه مردم" به چشم می خورد. برخی از رفقا نیز موارد مشخص این نارسایی ها را متذکر شده اند. ضمن تشکر از این رفقا و نیز پوزش از خوانندگان عزیز، امیدواریم - و نهایت سعی خود را می کنیم - تا در آینده این قبیل نارسایی ها را به حداقل ممکن برسانیم.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

NAMEH
MARDOM
No: 66

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

5 September 1985